

پایگاه تسلیم و تربیت در اسلام میرزا بزرگ صدر اسلام

پلم دکتر محمد طهرانی

در چند گفتار پیش پیرسون آراه تربیتی دو شخصیت بزرگ علمی جهان اسلام یکی خواجه نصیرالدین طوسی و دودیکر شهید ثانی بتفصیل سخن گفتیم که هر دو از مفاخر جهان تشیع بشمار میروند و اینک بمنظور شناخت هرچه بیشتر آراه دیگر مربیان بزرگ اسلامی در این مقال و مقالات آینده آراه تربیتی برخی از معارف و ناسوران فرهنگ اسلامی را مورد بحث و تحقیق قرار میدهیم باشد خوانندگان گرامی مکتب مام پیش از پیش با اصول و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی آشنا شوند و از ذخائر مکتب تربیتی مسلمانان صدر اسلام آگاه گردند و گفتار خود را با رعایت قدست زمانی به بررسی نظریه دانشمند مغربی که در مکتب تعلیم و تربیت شهرتی بسزا دارد اختصاص میدهیم. و ناگفته نماند که در گفتارهای گذشته به اجمال بمناسبتی از آراه وی نیز سخن بمیان آمده است این شخصیت اسلامی همان محمد بن سحنون مغربی است که از فقهای میرز قرن سوم هجری بشمار می آید و نظریاتی سازنده در امر تعلیم و تربیت دارد و در میان مربیان اسلامی از مکاتبت و منزلتی خاص برخوردار است پدرش از مردم قیروان و در زهد و پارسایی و تقوی مشهور بوده است محمد بن سحنون که بسال ۲۰۹ هـ چشم از این جهان فرو بست کتابی بعنوان (آداب المعلمین) در



از سوره و آیه و کلام و غیره و در این کتاب
 مضمون بسیار غنی است و در این کتاب
 است که کتاب «ادب المعلمین» در این کتاب
 تعلیم و تربیت مورد نظر است و در این کتاب
 داده و در این کتاب به تفصیل در این کتاب
 روایتی دارد که به یک واسطه یعنی پدرش که
 از شاهزاده قهای مالکی است از امام مالک
 که وی نیز عصر تابعین صحابه رسول خدا را
 درک کرده نقل مینماید و ناگفته نماند که
 کوشش علمی این فقیه ربانی و مربی بزرگ
 اسلامی در خطه غربی جهان اسلام راه آموزش
 را برای کودکان و نوجوانان مسلمانان باسد
 علمی هموار ساخت و همو مردم را به تأسیس
 مدارس و آموزشگاه تشویق و ترغیب می کرد،
 کتاب «آداب المعلمین» این سخنان مشتمل بر
 مباحث زیر است.

- ۱ - ماجاه فی تعلیم القرآن العزیز (آنچه درباره فضیلت آموزش قرآن مجید آمده است).
- ۲ - ماجاه فی العدل بین الصبیان (مبحث رعایت عدالت و تساوی حقوق بین دانش آموزان).
- ۳ - ما یکره محوه من ذکر الله (مبحث مواردی که زدودن نام خدا از لوحه درس مکره و ناشایست است).
- ۴ - ماجاه فی الادب و ما یجوز فی ذلک و مالا یجوز (مبحث تأدیب نمودن و بیان شایست و ناشایست آن).
- ۵ - ماجاه فی الختم و ما یجب فی ذلک للمعلم (شرایط پایان یافتن درس و آنچه

در این کتاب به تفصیل در این کتاب
 تعلیم و تربیت مورد نظر است و در این کتاب
 داده و در این کتاب به تفصیل در این کتاب
 روایتی دارد که به یک واسطه یعنی پدرش که
 از شاهزاده قهای مالکی است از امام مالک
 که وی نیز عصر تابعین صحابه رسول خدا را
 درک کرده نقل مینماید و ناگفته نماند که
 کوشش علمی این فقیه ربانی و مربی بزرگ
 اسلامی در خطه غربی جهان اسلام راه آموزش
 را برای کودکان و نوجوانان مسلمانان باسد
 علمی هموار ساخت و همو مردم را به تأسیس
 مدارس و آموزشگاه تشویق و ترغیب می کرد،
 کتاب «آداب المعلمین» این سخنان مشتمل بر
 مباحث زیر است.

- ۸ - ماجاه فی التعلیم من قریب التعلیم (مبحث التزام آموزگار به تدریس و پرداختن به امور آموزشی دانش آموزان).
 - ۹ - ماجاه فی اجاره المعلم و شیء تجب (مبحث کیفیت اعطای حق التدریس به آموزگار و بیان موارد لزوم پرداخت آن).
 - ۱۰ - ماجاه فی اجاره المصحف و کتب الفقه و ما شابهها (مبحث پرداخت وجهی در ازاء استعاره کردن و کتابهای دینی و دیگر کتب علمی).
- و ما اینک هریک از مباحث فوق الذکر را بدانگونه که این سخنان در کتاب خود آورده باختصار شرح و توضیح می دهیم.
- مبحث نخست: در فضیلت آموختن قرائت قرآن کریم از رسول گرامی روایت شده است که فرمود برترین شما کسی است که علوم قرآن را بیاموزد. و از علی بن ابی طالب علیه السلام نیز روایت شده است که نیکوترین فرد از شما آنکسی است که علم قرآن بیاموزد و نیز بواسطه از اسیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده است که رسول اکرم (ص) فرمود خداوند مردمی را بپرکت قرآن جاه و منزلت دهد و سپس مؤلف به نقل چند روایت دیگر از صحابه رسول خدا در فضیله**

آموزش قرآن پرداخته می‌گوید صحابی این
 مسعود گوید که سه چیز مردم را از آن گزیر
 نیست یکی فرمانروایی که با آنان حکومت
 کند و گرنه بکدیگر را چون درندگان بخورند
 دو دیگر آنکه داد و ستد کتاب آسمانی اسری
 ضروری است زیرا بدینوسیله قرآن کریم در بین
 مردم شایع و انتشار می‌یابد و سوم آنکه جامعه
 نیازمند به معلم است تا مردم فرزندان خود را
 سواد بیاموزند و اگر گروه معلمان نبود جهل و
 بیسوادی بر جامعه سایه می‌افکند و ابن جریر
 در جهت تجویز اخذ پاداش در برابر تعلیم
 قرآن گوید که احدی اخذ پاداش را تقبیح
 نکرده است و اولیاء کودکان حتی داوطلبانه
 بدون قرارداد قبلی باین کار اقدام مینمایند
 ولی باید دانست که پاداش ختم کلام الله
 مجید که باصطلاح پایان دوره آموزش قرآن
 تلقی می‌گردد واجب است خواه ولی طفل قبل
 با آموزگار قراردادی در این زمینه منعقد کرده
 باشد یا خیر و اهل علم و صاحبان مدارس در
 شهر قیروان و دیگر شهرهای شمالی افریقا در
 عصر این سحنون از همین روش تبعیت میکردند.
 مبحث دوم - این سحنون رفتار بالسویه
 بین شاگردان را از مسائل مهم تربیتی معرفی
 مینماید و دو روایت در مورد نکوهش معلمی
 که رفتارش برخلاف این سنت مقدس اسلامی
 است نقل مینماید یکی حدیثی است منقول از
 رسول خدا که می‌فرماید هر معلمی که آموزش
 سه کودک از فرزندان است سرا بمعهده گیرد و
 عدالت را درباره آنان سرعی ندارد و تبعیض
 قائل شود روز رستاخیز در زمره خیانتکاران
 محشور خواهد شد و در حدیث دوم نیز رسول
 خدا فرموده است هرگاه معلمی در برابر اخذ

پاداش عده‌ای کودک را آموزش دهد و با آنان
 رفتار متساوی نداشته باشد از زمره مستکاران
 بشمار می‌آید، بدیهی است که این دستورالعمل
 اسلامی تا چه پایه در رشد نیروی اندیشه و
 تربیت روانی کودک و نوآموز مؤثر می‌باشد و
 سربیان و کارشناسان امور تربیتی بیش از
 هر کس با اهمیت این مطلب که نخستین مرحله
 سازندگی شخصیت کودک است واقف می‌باشند.
 مبحث سوم: مسلمانان صدر اسلام پیروی
 از دستورات حکیمانه رسول خدا و صحابه وی
 را در امر آموزش فرزندان خود بدقت رعایت
 می‌نمودند و نظر باحترامی که برای اساسی
 ذات حضرت حق قائل بودند بفرزندان خود توصیه
 می‌کردند که هرگاه بر لوح درس نام ایزد
 بکتا را نوشتند آنها با دستمال و دیگر وسائل
 پاک نکنند جز با آب طاهر لذا در مکتبخانه‌های
 قدیم رسم بر این بوده که هر روز یکی از
 شاگردان موظف بود که مقداری آب در ظرفی
 باخود بیاورد و خطوطی که نام خداوند در آن
 نقش شده است یا آیه بر لوحی نوشته آمده
 پس از پایان شرح و توضیح استاد الواح جملگی
 با آب شسته می‌شدند و سپس آن آب را در
 گودالی که قبلا برای این منظور تمییه شده
 بود می‌ریختند تا خشک شود و قطع نظر از
 فلسفه مذهبی این دستورالعمل می‌توان چنین
 نتیجه‌گیری کرد که اصولا با توجه به موازین
 روانشناسی تربیتی از همان اوان کودکی باید
 حس احترام بمقدمات را در روحیه نوجوانان
 بوجود آورد تا رفته رفته این انگیزه اخلاقی
 در رفتار و کردار آنان نمودار گردد و بصورت
 یک امر طبیعی که با خوی و سرشت انسانی
 عجین گردیده درآید.

مبحث چهارم - این سخنون در این مبحث با توجه بمضامین احادیث سروی از رسول خدا درباره تنبیه کودکان دانش آموز تصریح مینماید که معلم باید از عواطف سرشار برخوردار باشد و اسلام تنبیه بدنی را که زائیده خشم سربی باشد شدیداً محکوم مینماید این عباس از رسول خدا روایت کرده است که فرمود اشرار امت من معلمانی هستند که کوچکترین ترحمی بکودک یتیم نمی کنند و با مسکین و درمانده بخشونت رفتار مینمایند و صحابه رسول خدا هرگونه ضرب و تحریح را تقبیح مینمودند و جز در موارد خاص که مصلحت ایجاب می کند و منافع کودک و سعادت و آینده وی ملحوظ نظر می باشد در اینصورت تنبیه بدنی با سه ضربه شلاق بلامانع است و در صورتیکه ولی دانش آموز از رفتار وی شاکی باشد و کودک بازار و اذیت دیگران دست زده است معلم می تواند با موافقت پدر کودک با بیش از سه ضربه شلاق او را تنبیه بدنی کند ولی در هر حال و بهر صورت تنبیه بدنی نباید از ده ضربه شلاق متناسب با جثه و بنیه کودک تجاوز نماید، این سخنون در تأیید این نظریه چند حدیث از رسول خدا نقل مینماید از آنجمله این حدیث است که فرمود: شایسته و روا نیست بر مردی که به مبدأ و معاد معتقد باشد بهش از ده ضربه تنبیه بدنی کند جز در موارد حد شرعی و نیز از مرییان سلف آمده است که تنبیه بدنی باید با میزان گناه متناسب داشته باشد و تخلف از آن اسری ناپسند و دور از انسانیت است.

مبحث پنجم - در مورد عطایای عید فطر و عید قربان، که از طرف دانش آموزان بیاس

زحمات آموزگار تقدیم می گردد فقط جنبه اختیاری دارد که داوطلبانه دانش آموزی هدیه خدمت آموزگار پیشکش نماید و چنانچه صورت الزامی بخودگیرد حرام است و نکته دیگر آنکه آموزگار نباید تلویحاً یا صراحة دانش آموزان باین کار وادارد چه در اینصورت هدایای تقدیم شده حرام است هرچه باشد و هر اندازه که ارزش داشته باشد و ناگفته نماند که مسأله تقدیم هدایا در گذشته یا عبارت دیگر در مکتبخانه ها جنبه کمک مالی به صاحب مدرسه داشته تا از این راه در هزینه زندگی وی که از راه تعلیم دادن به کودکان تأمین می شده است گشایشی صورت گیرد و این روش را می توان به مدارس ملی در گذشته نزدیک تشبیه کرد که صاحبان امتیاز این گونه مدارس از وزارت آموزش کمک و مساعدت مالی دریافت می داشتند بهر حال مسأله اهداء عیدی امروزه در کلیه مدارس کشورهای اسلامی منتفی است زیرا هزینه زندگی آموزگاران و مدیران مدارس از طرف دولت تأمین می شود

بنابراین آنچه مذکور اقتاد منحصرأ در مورد مدارس صدر اسلام صادق می باشد و مدارس که بصورت مکتبخانه اداره می شده است و این رسم نیز در مکتبخانه های قدیم ایران که هنوز نسل بزرگ سال کنونی از آن خاطرها دارد معمول بوده است.

مبحث ششم - این سخنون در مورد مدت تعطیلی دانش آموزان در ایام عید فطر و عید قربان از پدرش استفسار مینماید پدر چنین پاسخ میدهد که شایسته است برای عید فطر یک روز سرخصی بدانش آموزان داده شود و

می‌شود که معلم نباید بکاری که شایسته مقام وی نیست اشتغال ورزد و از طرفی در ساعات آموزش باید جز با تمرین و راه‌نمایی دانش‌آموزانش بهیچ امر دیگر نیندیشد و خاطر مشغول ندارد و حتی بهنگام سخن‌گفتن با دیگران در حین تدریس چنانچه ضرورت ایجاد کند نباید چشم از چهره شاگردان برگردد و با نگاه‌های محبت آمیز آنانرا مورد تفقد قرار دهد و مسأله تعلیم و تربیت در نزد شارع بعدی مهم است که آموزگار را بمنظور رسیدن بوظائف آموزشی خود از انجام بسیاری از وظائف مذهبی که جنبه استحباب دارد یا واجب کفائی است بازداشته است مثلاً آموزگار حق ندارد در تشییع جنازه بهنگام وظیفه آموزشی شرکت نماید و یا بیعادت، بیماران برود و همانگونه که می‌دانیم تشییع جنازه یا بیعادت بیمار از جمله وظائف اجتماعی و انسانی است که اسلام آنرا از حسنات و کارهای نیکو برشمرده است ولی وظیفه معلمی را برتر از همه وظائف دانسته است و معلم حق ندارد سروسورت کودک را بهنگام تنبیه مورد ضرب قرار دهد، کما اینکه حق ندارد آزادی شاگرد را در خوردن و آشامیدن محدود کند این سخن می‌نویسد از پدرم پرسیدم آیا معلم می‌تواند بکار تالیف و تحقیق برای خود و یا برای دیگران اشتغال ورزد پدرش یعنی همان فقیه شهیر مالکی قیروانی می‌گوید در غیر از ساعات تدریس و تهیه جزوه برای شاگردان بلامانع است مثلاً ساعات تعطیلی مکتب که شاگردان بخانه‌های خود بازگشته‌اند ولی مادامیکه شاگردی در مکتب نشسته و بنوشتن و یا خواندن مشغول است معلم حق ندارد ذهن

و اندیشه خود را با امری دیگر سرچشمه غلبی داشته باشد بلفظ معطوف دارد (و اینک منصفانه از خود می‌پرسیم آیا مدرسه و آموزشگاهی در جهان امروز یافت می‌شود که اینگونه استادان تمام وقت که حتی ذهن و اندیشه آنان را نیز کنترل کند در اختیار داشته باشد؟) پدر این سخنون بسختان خود ادامه داده با شگفتی می‌گوید چگونه معلمی که تعهد

وجدانی سپرده است می‌تواند وقت دانش‌آموزان خود را در خدمت دیگران بکار برد، سپس این سخنون به کیفیت دروس و کمیت آنها با توجه به‌الاهم فالاهم اشاره نموده‌متذکر می‌گردد که پس از تعایم قرآن که در درجه نخست اهمیت قرار دارد وظیفه معلم است که سایر دروس از قبیل آئین نگارش، حساب، شعر و خط‌نویسی و قواعد و دست‌ورزبان را بشاگردان بیاموزد ولی هنگام تخلف از این وظیفه‌گناه بشمار می‌آید که اولیاء شاگردان علاوه بر آموزش قرآن تدریس این مواد را از وی نیز خواسته باشند و بر معلم است (صاحب مکتب) که جا و مکان مناسب برای آموزش شاگردان فراهم کند چنانکه امروزه وزارت آموزش و پرورش این مسئولیت را بعهده‌دارد و معلم باید شاگردان خود را تشویق کند که درس استاد را هریکه برای دیگری املا نماید چه این روش در پیشرفت معلومات و تقویت ذهن دانش‌آموز بسیار سودمند است و آنگاه این سخنون شرائط و کیفیت ختم قرآن کریم و دریافت پاداش را که قبلاً بدان اشارت رفت بتفصیل بیان مینماید که ذکر جزئیات آن در حال حاضر ضروری بنظر نمی‌رسد فقط می‌توان

لطفاً بقیه را در صفحه ۶۶ مطالعه فرمائید